

آینه

جمهوری اسلامی

همراه با سیاست‌های کلی انتخابات

● ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات کشور توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی، فرصتی تازه برای پرداختن به این مقوله کلیدی و پراهمیت فراهم آورده است. ممنوعیت نیروهای مسلح و قوای سه‌گانه در دسته‌بندی‌های انتخاباتی، محور اصلی این سیاست‌ها تلقی می‌شود که هرگونه سستی و تعلل در اجرای آن می‌تواند زیانبار باشد و جامعه و نظام را دچار مسائل، مشکلات و مصائبی کند که چه‌بسا اوضاع را در مسیر برگشت‌ناپذیری به سمت و سوی دیکتاتوری سوق دهد و تدریجا باعث ایجاد شکاف در جامعه و فاصله‌انداختن میان آنها و نظام شود.این همان نکته‌ای است که امام خمینی نیز بارها نسبت به عواقب آن هشدار داده‌اند و قوای مسلح را از ورود به این مقوله باز داشته‌اند. دلایل منطقی و عقلانی مرتبط نیز به‌خوبی قابل درک است و می‌توان دریافت که نظام با چه رویکردی و با هدف پرهیز از چه مخاطراتی ورود قوا به عرصه دسته‌بندی‌های انتخاباتی و گروه‌های سیاسی را به صلاح کشور و به مصلحت قوای مسلح نمی‌داند.این پدیده حتی به کارایی، نفوذ کلام و به‌ویژه محبوبیت و مقبولیت قوا نزد آحاد ملت نیز ممکن است لطمه‌ای جدی و جبران‌ناپذیری وارد کند و تأثیر محسوسی بر عملکرد و توان اجرایی– عملیاتی نیروهای مسلح باقی بگذارد که قطعاً مطلوب نیست و ممکن است آثار و تبعات شومی را به زیان منافع ملی و حتی امنیت ملی به همراه داشته باشد.داع و درفشی که امروزه مردم مصر دچار اند، ثمره ورود نظامیان به عرصه‌ای است که نباید وارد آن می‌شدند ولی با استقبال جامعه از جمال عبدالناصر، زمینه‌هایی فراهم شد که زئرال سادات، زئرال مبارک و زئرال عبدالفتاح السیسی میراث‌خوار و میراث‌دار آن شدند و هنوز هم کورسوی میراثی ابدی نجات مصر از این ورطه هولناک قابل‌تصور نیست.ورود نظامیان به دسته‌بندی‌های سیاسی، ممکن است به پدیده‌ای برگشت‌ناپذیر تبدیل شود که آثار و تبعات آن در طول تاریخ نیز دامنگیر کشور شود و راه نجاتی از آن قابل تصور نباشد. تجربه تلخ مصر و ترکیه، هشدارهای جدی برای سایر کشورها و ملت‌ها نیز تلقی می‌شود و زنگ خطر را برای آنها به صدا درمی‌آورد.

صدرا

گفت‌وگو با «رحمت‌الله حافظی» عضو شورای شهر تهران

این واقعا جای تعجب دارد که یک عضو اصلاح‌طلب، در صحن علنی شورا به بنده اعتراض می‌کند و می‌گوید تو که به قالیباف رای داده‌ای چرا انتقاد می‌کنی؟... شورا به جاده‌فکن یا ماشین امضایی برای شهرداری تبدیل شده است... معتقدم که پاشنه آشیل شهرداری، گزارش تلفیق صورتهای مالی سال ۹۰ است، روی این موضوع باید تمرکز شود. توجه رسانه‌ها را به گزارش تلفیق صورتهای مالی سال ۹۰ جلب می‌کنم. بند به بند آن گزارش پر از انحراف و تخلف است... در دومین دوره شورای شهر تهران، مصوبه‌ای بوده برای واگذاری امکانات رفاهی به کارکنان که ریشه انحراف از انجاست، در آن مصوبه آمده که آیین‌نامه اجرایی چگونگی واگذاری املاک، توسط شهرداری تنظیم و ارائه خواهد شد. به استناد این مصوبه، شهردار برای خودش حق اعطای تخفیف تا ۵۰ درصد را قائل شده است، اینجا شروع انحراف است. یک مشکل دیگر هم این بوده که کارشناس رسمی دادگستری برای قیمت‌گذاری املاک از بین پرسنل خودشان یا افراد خاص انتخاب شده و قیمت کارشناسی نیز تا ۵۰ درصد کمتر از قیمت واقعی املاک تعیین شده، مثلاً یک واحد یک‌میلاردتومانی را ۵۰۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری کرده‌اند، بعد همان ۵۰۰ میلیون تومان هم شامل ۵۰ درصد تخفیف آقای قالیباف شده و واحد یک‌میلاردتومانی به مبلغ ۲۵۰ میلیون تومان واگذار شده آن هم به شکلی که ۵۰ میلیون تومان آن را نقد گرفته‌اند و مابقی به صورت اقساط، این نمونه‌ای از مواردی است که اتفاق افتاده. آقای حافظی مدعی است که برای وی کارگر و کارمند و مدیر و عضو شورا فرقی ندارد ولی در عمل این‌طور نیست...برای کارگری که ماهانه حداکثر یک‌وینیم میلیون تومان حقوق می‌گیرد، قسطن می‌گذرند که هر سه ماه ۲۵ میلیون تومان پرداخت کند! قسطن اول را با پول طلای همسر و این طرف و آن طرف جور می‌کند ولی اقساط بعدی را نمی‌تواند پرداخت کند. در قرارداد هم از کارگران اقرار می‌گیرند که اعضای تعاونی حق هیچ اعتراضی به عملکرد گذشته، حال و آینده هیات‌مدیره را ندارند. کارگر را اقرا می‌خوانند و می‌گویند تاکنون ۲۵ میلیون تومان پرداخت کرده‌ای و اقساط بعدی را پرداخت نکرده‌ای، این ۲۵ میلیون را بگیر و سهامت را ۸۰ میلیون تومان از تو می‌خریم، کارگر هم خوشحال و راضی از این مبلغ، به تسویه‌حساب تن در می‌دهد. همه تخفیف‌هایی که به نام کارگران گرفته شده و واحدهای تجاری و ۹۰۰ واحد مازاد مسکونی که در پروژه پیش‌بینی شده به چه کسی می‌رسد؟ این است تساوی کارگر و مدیر نزد آقای قالیباف؟

علی شاملو:۲۶ مهر، سالگرد سخنرانی شهید «محمدعلی رجایی»، نخست‌وزیر، در شورای امنیت سازمان ملل متحد بود، سخنرانی‌ای که در سال ۱۳۵۹ انجام شد. در شبی پاییزی به شمالی‌ترین نقطه تهران که دفتر یکی از حقوق‌دانان باسابقه کشور است، رفتم؛ دکتر «گودرز افتخارجهرمی»، استاد دانشگاه شهید بهشتی، حقوق‌دان سابق شورای نگهبان، معاون سابق نخست‌وزیر و سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، مشاور اسبق رئیس جمهوری در دولت‌های سالدنگی و اصلاحات و از همراهان شهید رجایی در سفر به نیویورک، گفت‌وگو کردیم. گفت‌وگوی ما با دکتر افتخار یک ساعت بیشتر طول نکشید؛ اما به علت رفت‌وآمد مکرر مراجعه‌کننده‌ها به دفتر، او، چند بار گفت‌وگو قطع شد و ناچار به درازا کشید. آنچه این حقوق‌دان قدیمی می‌گوید خاطرات اوایل انقلاب را تداعی می‌کند.

ک علت همراهی شما با شهید رجایی در سفر به نیویورک چه بود؟
همراه ۵۹ بود که از دفتر شهید رجایی با شورای نگهبان تماس گرفتند و خواستند من ملاقاتی با ایشان داشته باشم، به ملاقات ایشان رفتم و گفتند تصمیم دارند به شورای امنیت بروند و در آنجا درباره مسائل حمله عراق به ایران سخنرانی کنند. گفتند می‌خواهند یک حقوق‌دان با ایشان همراه باشد و شما انتخاب شده‌اید.
قبل آشنایی داشتید؟
از قبل آشنایی داشتم، من هم قبول کردم و همراه ایشان عازم نیویورک شدم.
ک چه کسان دیگری در این سفر همراه شما بودند؟
هیات ما گسترده نبود، از جمله کسانی که با ما همراه شد، آقای «بهزاد نبوی» بود که در آن زمان وزیر مشاور در امور اجرایی و سخنگوی دولت بود. همچنین آقای عزیزی و دوابی از روابط‌عمومی نخست‌وزیری و آقای مصطفی تاج‌زاده هم بودند، یک هیات کوچک بودیم، جمع ما حدود هفت نفر بود.

ادامه از صفحه اول

... و هم چنین، تشویق و توصیه به غنیمت شمردن فرصت برای بند و بست، و به ابزار آمادگی شدن به خدمت درست به نیرویی که قوتش از ضعف دیگران می‌آمد و از وانمود کردنش به زور داشتن، زوری که بیشتر هو بود و از ضعف حریفان.
وقتی که نامه دعوت برای رفتن به انگلستان رسیده بود به روزنامه «رهبر»، که ارگان حزب توده ایران بود، انکار جرئومه و یا باشد از باز کردنش ابا کردند بی آنکه بداندن مضمون نامه چیست. جرات برای باز کردن نامه هم نبود چون انگ و نام سفارت بریتانیا به رویش بود. آن را هنوز باز نکرده رد کردند پیش کمیته مرکزی حزب. آنجا هم همان هراس از هرچه انگلیسی بود میل و هوای پذیرفتن دعوت را از میان می‌برد. خاصه در قبال قدرت و پرهیز از بدگمان شدن کارگزارهای شوروی، اما امکان می‌داد به هل دادن رقیب‌های محتمل رهبران حزب به توی کودت همت مرسوم و ناروا ولی مفید به کوبیدن رقیب. از این فرصت بهره گرفتند و رفتن به لندن به دعوت انگلستان را گذاشتند بر عهده خلیل ملکی که هم نویسنده برجسته روزنامه «رهبر» بود هم پیشینه نفاز و ناسازگاری به رفتار رهبران حزب را داشت، هم جزو گروه ارانی و پنجاه‌سه تن رفته بود به زندان، هم در آغاز بریاکردن حزب توده در این کار شرکت نکرده بود چون، از جمله، بیرون و در تبعید دور بود از تهران، و هم حلا عضو «هیئت تفتیشی» بود که این دومین دستگاه رهبری حزب بود. و روی‌هم‌رفته از قدرت شخصیتش می‌هراسیدند. ملکی با گروه کوچک روزنامه‌نگاران دیگر رفت به لندن.

خلیل ملکی اندیشه‌من ساده و کوشا، و در عمل ناآشنا به قلق‌های سیاست بود. ناآشنایش به قلق‌ها و بند و بزد از خنگ بودن نبود، از ساده و صریح بودن بود. او در آلمان دوره جمهوری «ویمار» درس خوانده بود و اندیشه‌هایش در همان دوره «ویمار» ریشه داشت که بیشتر بستگی به دقت و منطق داشت، نه به تقلب و تقلا و پشت‌هم‌اندازی و خسونت و خرده‌شیشه داشتن در فکر و در رفتار برای رسیدن به جاه از راه دسیسه، و در نتیجه و ناچار تن‌دادن متقابل به فوطنه‌باز، به دسته‌بندی، به درگیری که هرچه پیش باید خاصه که بیرون بوده باشد از حدود پیش‌بینی، که لازم می‌آورد همیشه چشم چشم کردن که حمله غافل‌کنندهٔ بعدی کی از چکس باشد و از کدام سوی می‌آید- که این، ناگزیری، ماهیت و هویت دیگر نه به الگوی اساسی قصد و عمل می‌دهد تنها، اصلاً تغییر در روح و در روش شخص انسان دست‌اندرکار می‌سازد. آمادگی به کارکردن آن مشخصات در حق هر که روبرو باشد، و انتظار پایداری مستمر به دریافت آن مشخصات از هر که روبرو باشد پیچ‌خوردگی در روح و فکر می‌سازد، که این با روح و فکر او سازگار نمی‌شد. بارآمدن و رشد در روزگار درس‌خواندن در آلمان در رشته دانش دقیقی که شیمی بود، دیدار جامعه پرل‌تلام بعد از جنگ، و بودن در آن، و کشانده‌شدن به آن را شناختن، با توجه و میل به بحث در ریشه‌ها و در چرخش‌هاش، و رسیدن به محیط مطالعه در سوسیالیسم و سوسیالیست‌شدن در آن آلمان، تمام در چشم‌انداز باز و فضایی بود کشادتر، اروپایی، لوتری، پرسنده، دور از فرهنگ و سنت درسته و انحصارخواه ارتودوکسی و شرقی. سنجش شرط اساسی بود، و شرط اساسی سنجش آزاده‌بودن بود در پرسیدن و فهمیدن، نه قید و اطاعت کردن‌گذاشتن به فرمان فردی. او خو گرفته بود به نظم ضوابط علمی، به دقت در پیشبرد تجربه، به تععمق، به استدلال، به استقامت و تسلسل منطق، به رسیدن به حل مسئله از راه بررسی بی‌بستگی به خواهش و گرایش هوس و قصدهای فرعی و سطحی. برداشت سال‌های زندانش از رفتار و روحیه‌هایی که در هم‌زندانان خود دیده بود بدینش کرده بود به پاکی‌شان، یا دست‌کم به پایداریشان در کار آرمان‌هایی که بایستی به هم وابسته‌شان می‌کرد. می‌دید بیشتر بهانه‌ای به هم وابسته‌شان کرده‌ست. خود را تنها می‌دید. تنها نه یعنی که فرد بی‌همتا، یعنی تنهایی بی‌همدم و ناخوشایندشان می‌دید خود را دور می‌گرفت از آنها، و این او را برایشان اگر نه بیکانه، دست‌کم بددماغ و سخت‌نشان می‌داد. تنها بود و تنهایی او را نشنه معاشرت می‌کرد اما نه با کسانی که آن چنان می‌شناخت یا می‌دید درگیر

سیاست

یادمانده‌های «گودرز افتخارجهرمی»، همسفر شهید رجایی در سازمان ملل

گفتند گروگان‌گیری ادامه پیدا کند، کارتر انتخاب نمی‌شود



ک شهید رجایی از طرف شورای امنیت دعوت شده بود یا خودشان تصمیم گرفته بودند به آنجا سفر کنند؟

نماینده‌گی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد مقدمات این سفر را در خواست جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده بود.

ک شنیده‌ام آقای بنی‌صدر علاقه‌مند بودند که به این سفر بروند و می‌گفت این حق من است، چون من رئیس جمهوری و مقام دوم کشور هستم، آیا شما چنین موضعی را تأیید می‌کنید؟
من به خاطر نمی‌آورم و اطلاعی ندارم؛ اما آن روزها رئیس‌جمهور وقت آقای بنی‌صدر با شهید رجایی که نخست‌وزیر بود، روابط حسنه نداشت. در قانون اساسی قبل از تغییرات سال ۶۸، رئیس‌جمهوری اختیارات زیادی نداشت، نخست‌وزیر بود که اختیارات داشت و هیات دولت را اداره می‌کرد و وزیران زیر نظر او کار می‌کردند، احتمالاً تصمیم سران نظام بوده است که شهید رجایی شرکت کند.

ک مدت‌زمانی که آنجا بودید، برخورد اعضای هیات کشورهای دیگر با هیات ایرانی و شخص شهید رجایی و نوع برخورد دیپلمات‌ها و برخورد تیم ایران با هیات عراقی و آمریکایی و کشورهای دیگر چگونه بود؟

برای حل‌وفصل گروگان‌گیری یا جنگ واسطه شونده؟

به خاطر ندارم که هیاتی برای جنگ واسطه شده باشد، زیرا جنگ تازه شروع شده بود و ابعاد آن هنوز مشخص نبود و عراقی‌ها با توجه به اینکه بخشی از خوزستان را تصرف کرده بودند و سرمست این فتوحات بودند، دنبال این نبودند که میانجیگری به‌وجود بیاید، به‌علاوه همان‌طوری که گفتم مسافرت ما بسیار کوتاه بود و برای ملاقات با هیات‌های دیگر فرصت نبود. **ک هیات ایرانی نمی‌خواست راینرئی کند تا به عراقی‌ها از طرف سازمان ملل تذکری داده شود؟**
بله، راینرئی‌های دیپلماتیک در حال انجام بود. مسئله مهم در آنجا نطق شهید رجایی بود که می‌خواست یک سخنرانی مهم ایراد کند.

زمانی که ما به نیویورک رفتمیم یکی از اعضای هیات ایرانی که در آنجا مستقر بود، نزد شهید رجایی آمد و متن سخنرانی را که آماده شده بود، در اختیار ایشان قرار دادند تا آن را قرائت کند؛ اما شهید رجایی قبول نکرد. خودش یادداشت‌هایی داشت و شبی که می‌خواست سخنرانی کند تا نیمه‌های شب بیدار بود و سخنرانی‌اش را تنظیم می‌کرد؛ بعد از تنظیم به من داد که آن را بخوانم، من سخنرانی را خواندم، بسیار خوب بود. چند نکته کوچک را که به ذهنم رسید بهتر است اضافه شود یا تغییر کند، به ایشان تذکر دادم.

ک تذکرات شما را پذیرفتند؟

بله؛ اما بیشتر کارها را با آقای بهزاد نبوی هماهنگ می‌کرد. شهید رجایی به بهزاد نبوی بسیار اعتماد داشت و در همه مسائل با ایشان مشورت می‌کرد. در وقت مقرر شهید رجایی در سازمان ملل متحد سخنرانی جامعی کرد که به نظر می‌رسید همه حاضران به آن توجه کردند.

ک در نیویورک، بازدید با ملاقات خاصی هم داشتید؟

بازدید از مسجدی بود که در محله هارلم واقع شده بود و مسلمانان سیاه‌پوست زیادی آنجا زندگی می‌کردند. بسیار از شهید رجایی استقبال کردند؛ هرچه در اول به دستور تو نبوده است و نباشد و از نیم قرن پیش و بیشتر شکل و قرار گرفته باشد، رفتاری‌ست ضد هر حساب و معنایی که داشته باشی برای آزادی و استقلال و اختیار انسان امروزی. چرا نشود من بتوانم بروم در خانه خودم کنم بینم که وضع چگونه است آنجا؟ اشاره ملکی به وضع آن قلمرو وسیع نفت‌خیز بود در خوزستان که در تمام مرکزهای نفت‌اش اجازه و جای اقامت و دیدار دستگاه‌ها، چه اداری چه صنعتی، نبود برای هر کس‌سی که خدمت آن شرکت‌دولت‌ار نفت نمی‌بود. انرست بوین تحمل این حمله ناگهانی غافلگیر را کرد شاید چون واکنش‌ها در این موارد میان انگلیسی‌ها در انگلستان و در زمینه فرهنگ و عادت و آداب و آداب انگلیسی‌شان فرق دارد به آنچه در میان ایرانیان و در خود ایران و در زمینه فرهنگ و عادت و آداب ایرانی اتفاق بیفتد. این هم هست که شاید بوین، میان مهمانی، راهی جز این نداشت. ملکی گفته بود هر که هستی باش، حرف حق انیست، حالا اگر کشی، از جمله دیپلمات‌های اتوکشیده ایرانی در لندن، و هر جا، به جنس پُنی می‌افتادند، که افتادند، بیفتند؛ حرف حق‌زدن ترس و رنجاندن زرنمی‌دارد، ترسیدن کمک به حریف است در حرف حق گفتن.

ادامه در صفحه ۷

غلتید. و در ایسن میانه تا آنجا که من دیدم او همیشه تنها ماند، بی‌همدم، اگرچه پادوهای جعلقی هم بودند که گرد او به جوش و جهل می‌جستند. و عاقبت، به سرنگونیش کمک کردند ولی آنها را در حساب دیگری بگذار.

کاری که ملکی در آن پذیرایی کرد یک تیراندازی نبود از دور، پنهان شده درلای سطر و پشت ستون‌های صفحه یک روزنامه، با بیانی مثل وروره‌های مکرر و از تکرار سالیده که هر روز از هرکس در هر روزنامه می‌خواندی. این حمله مستقیم تن به تنی بود، در یک نقطه کانونی، به مخ و مرکز سیاست حریف، رو در رو، گرفتن گریسان وزیر خارجه انگلیس که مُردا رفتار دولتش، گرچه در اول به دستور تو نبوده است و نباشد و از نیم قرن پیش و بیشتر شکل و قرار گرفته باشد، رفتاری‌ست ضد هر حساب و معنایی که داشته باشی برای آزادی و استقلال و اختیار انسان امروزی. چرا نشود من بتوانم بروم در خانه خودم کنم بینم که وضع چگونه است آنجا؟ اشاره ملکی به وضع آن قلمرو وسیع نفت‌خیز بود در خوزستان که در تمام مرکزهای نفت‌اش اجازه و جای اقامت و دیدار دستگاه‌ها، چه اداری چه صنعتی، نبود برای هر کس‌سی که خدمت آن شرکت‌دولت‌ار نفت نمی‌بود. انرست بوین تحمل این حمله ناگهانی غافلگیر را کرد شاید چون واکنش‌ها در این موارد میان انگلیسی‌ها در انگلستان و در زمینه فرهنگ و عادت و آداب و آداب انگلیسی‌شان فرق دارد به آنچه در میان ایرانیان و در خود ایران و در زمینه فرهنگ و عادت و آداب ایرانی اتفاق بیفتد. این هم هست که شاید بوین، میان مهمانی، راهی جز این نداشت. ملکی گفته بود هر که هستی باش، حرف حق انیست، حالا اگر کشی، از جمله دیپلمات‌های اتوکشیده ایرانی در لندن، و هر جا، به جنس پُنی می‌افتادند، که افتادند، بیفتند؛ حرف حق‌زدن ترس و رنجاندن زرنمی‌دارد، ترسیدن کمک به حریف است در حرف حق گفتن.

رهبران حزب در تهران هم از شنیدن حکایت این برخورد به جنس پُنی افتادند. شاید ملکی، از اول، نه ملقتف به هُلی بود که دوستان دستگاه رهبری بهش دادند، و نه شاید اکنون به فکرش رسیده بود که کاری که می‌کند آنها را خواهد کشاند به غیظی غلیظ و تند هرچند پوشیده به در لبخندهای به تأیید و آفرین گفتن ولی، در هر حال، هم غیظ هم غلیظ، و هم تلخ. برای روزنامه‌خوان‌های حزب توده این نویسنده سنگین‌نویسان، مثل فشفشه‌های شب چراغانی، سینه‌سیاه شب را درانده بود و در آسمان تیره ستاره‌های نگارنگی ترکانده بود. برای خواننده امروز، شصت سال و بیشتر بعد از آن تاریخ، چندان میسر نیست درک درست اندازه و اثرهای آن اقدام. باورکردنی نبود، گفتگو که هیچ، اصلاً سر برداشتن و ایستادن ساده، چه خواسته در افتادن به یک وزیر خارجه، آن هم وزیر خارجه انگلیس، که در همان زمان هم داثت با فکر استقلال هند، با فکر تشکیل اسرائیل، با هرچور تغییر در نظام پیش از جنگ در امپراتوری، مخالفت می‌کرد اگرچه خودش، مثل حزب کارگزار، نمونه این تغییر نبود و در خلال چنین تغییر و اثر آن رسیده بود به آن اقتدار و آن رتبه.

ولی حرف ملکی کار خود را کرد. چند هفته بعد شرکت نفت انگلیس و ایران دفترهای ارتباط و دادن اطلاعات به روزنامه‌ها را در تهران و در آبادان فراهم کرد. در تهران یک خاورشناس سابقه‌دار بریتانیایی را دکتر لارنس لاکهارت را که نویسنده کتاب‌هایی درباره نادرشاه و همچنین شهرهای ایران بود به بازکردن چنین دفتری گماشت، و جفری کیتینگ، یک خبرنگار زبل را که عکسبردار ارتش هشتم بریتانیا در نبردهای شمال آفریقا بود به سرپرستی چنین اداره در آبادان. بعد از کمی مدت، در فروردین ۱۳۲۶، یک دسته کمابیش جامع روزنامه‌نگاران تهران را دعوت کردند و با هواپیما بردنشان به آبادان و به میدان‌های نفت‌خیز خوزستان. خلیل ملکی و من هم در آن میان بودیم.

♦ این متن همراه دیگر مقالات ابراهیم گلستان در مطبوعات سال های ۱۳۲۳ به این طرف، بانستد در کتابی با عنوان «از راه و رفته و رفتار» منتشر شود.

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیان

- مقام معظم رهبری در دیدار الهام علی‌اف: باید مراقب تحریکات صهیونیست‌ها بود
- احمدی‌نژاد در سخنرانی افتتاحیه اجلاس کشورهای حاشیه خزر: توافق نهایی در بسیاری موارد حاصل شده است
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در دیدار سفیر چین: تعلیق فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای قابل‌پذیرش نیست
- رئیس کمیسیون صنایع مجلس: افزایش قیمت نفت ضد تولید عمل می‌کند
- پوتین: روسیه به برنامه هسته‌ای ایران کمک می‌کند
- رئیس مجلس: مشکلات سهمیه‌بندی بنزین به‌تدریج باید برطرف شود

انتخاب

- دیدار پوتین، علی‌اف و نظربایف با رهبر معظم انقلاب
- توافق پنج کشور ساحلی؛ خزر غیرنظامی شد
- صفارهرندی: هیچ حزبی را نمی‌شناسم که تربیت نداشته باشد
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: ایران انتظار بیشتری از چین دارد
- اتحادیه اروپا از پیشنهاد فرانسه برای تحریم ایران حمایت نکرد؛ پاریس: یکجانبه اقدام می‌کنیم
- اولین نشست پارلمانی ایران و رم

ایران

- رهبر معظم انقلاب: همکاری‌های کشورهای حاشیه دریای خزر باید بیش از پیش گسترش یابد
- احمدی‌نژاد: روابط ایران و روسیه به‌نفع منطقه است
- ثمره‌هاشمی: اجلاس کشورهای حاشیه دریای خزر بسیار موفقیت‌آمیز بود
- رئیس کمیسیون انرژی مجلس: «محرابیان» نمره قابل‌قبولی گرفت
- وزیر کشور: راهبردهای دولت مطابق با منافع ملی کشور است
- با حضور سران پنج کشور ساحلی دریای خزر شکل گرفت: تهران قطب جدید اقتصاد جهان
- وزیر کشور: ظرفیت‌های عملیاتی پلیس دوبرابر شده است

انقلاب

- دیدار رئیس‌جمهور روسیه با رهبر معظم انقلاب
- نایب‌رئیس مجلس: جنگ ۳۳ روزه لبنان به‌نوعی جنگ ایران و آمریکا بود
- هیلاری کلینتون: در مورد ایران تمام گزینه‌ها باید روی میز باشد
- رئیس قوه قضائیه در سازمان بازرسی کل کشور: ضعف سیستم، باعث فساد و رانت می‌شود
- رضا خاتمی: اصلاح‌طلبان به این نتیجه رسیدند که باید با یکدیگر حرکت کنند
- شورای روابط خارجی آمریکا: تحریم‌های اعمالی علیه ایران کارساز نبوده است
- رئیس مجلس: هیچ‌وقت احتمال وقوع تهدیدات را صفر در نظر نمی‌گیریم

جمهوری اسلامی

- احمدی‌نژاد: در راهبرد دفاعی ایران هیچ جایی برای سلاح هسته‌ای وجود ندارد
- حدادعادل: دولت روسیه با تکمیل نیروگاه بوشهر به انتظارات مردم ایران جامه عمل پيوشاند
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی عنوان کرد: اطمینان‌دهی هسته‌ای آری، تعلیق هرگز
- رئیس‌جمهور روسیه: به‌زودی ساخت نیروگاه بوشهر را تمام می‌کنیم
- معاونت راهبردی و برنامه‌ریزی رئیس‌جمهوری: دولت در موعد مقرر لایحه بودجه سال ۸۷ را تقدیم مجلس می‌کند
- انتقاد نماینده دائم ایران در سازمان ملل از تعامل برخی کشورها با طالبان و تروریست‌ها
- رئیس قوه قضائیه: دستگاه‌های متعدد نظارتی موجب ناکارآمدی در نظارت می‌شود

اطلاعات

- رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس‌جمهوری روسیه: ماجراجویی‌ها بر ضد ایران نتیجه عکس داده است
- نشست گروه ۵+۱ برای بررسی برنامه هسته‌ای ایران در برلین لغو شد
- پوتین: روسیه برای مواضع ایران درخصوص مسئله هسته‌ای احترام قائل است
- وزیر کشور: ساختار سازمانی پلیس تغییر می‌کند
- پل دوستی ایران و جمهوری آذربایجان افتتاح شد
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: ایران آماده هرگونه اطمینان‌دهی درخصوص استفاده صلح‌آمیز در انرژی هسته‌ای است
- وزیر فرهنگ: احزاب اجازه دهند روزنامه‌ها صرفاً وسیله اطلاع‌رسانی باشند